

تحول قدرت نرم عربستان سعودی در دوره محمد بن سلمان

*سید امیر نیاکویی^۱، سید حسین موسوی کردمیری^۲، سجاد کریمی پرشه^۳

۱. دانشیار علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۲ اسفند ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۲ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ انتشار: ۲۰ آذر ۱۴۰۳

چکیده

کشورها با توجه به میزان توانایی‌ها و ظرفیت‌های خود، برای نفوذ و تأثیرگذاری در عرصه سیاست خارجی می‌کوشند. عربستان سعودی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای آسیای جنوب غربی، دارای پتانسیل‌های بی‌نظیری در حوزه قدرت نرم است. میزبانی از آثار و اماکن مذهبی مهم، سابقه تاریخی و نقش محوری در منطقه و جهان عرب و اسلام باعث شده این کشور جایگاه و ظرفیت بالایی در حوزه قدرت نرم داشته باشد. با روی کار آمدن محمد بن سلمان به‌عنوان ولیعهد پادشاهی سعودی، دگرگونی‌های قابل توجهی در این زمینه صورت گرفته و برنامه و استراتژی‌های گوناگونی در حوزه قدرت نرم و ابعاد آن عملی شده است. پژوهش حاضر با تأکید بر قدرت نرم عربستان سعودی در دوره بن سلمان به دنبال پاسخ به این پرسش مهم است که مهم‌ترین مؤلفه‌های تحول قدرت نرم عربستان سعودی در دوره محمد بن سلمان در چه حوزه‌هایی بوده است؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در دوره محمد بن سلمان، در کنار توجه به مؤلفه‌هایی که از قبل و در حوزه قدرت نرم از آن استفاده می‌شد، با تمرکز بر حوزه‌های جدیدی همچون ورزش، گردشگری خارجی فرمانطقه‌ای، اقتصاد و در نهایت نقش آفرینی نوین در سیاست خارجی در مناطق مختلف، اقدامات گسترده و کم‌نظیری در حوزه قدرت نرم انجام شده است. روش این پژوهش، تحلیلی- توصیفی و شیوه گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای است.

کلیدواژه‌ها:

عربستان سعودی، قدرت نرم، محمد بن سلمان، سیاست خارجی، ورزش.

*نویسنده مسئول:

دکتر سید امیر نیاکویی
نشانی: دانشکده ادبیات و علوم
انسانی، دانشگاه گیلان، رشت،
ایران.

پست الکترونیک:

niakoee@guilan.ac.ir

استناد به این مقاله:

نیاکویی، سید امیر و موسوی کردمیری و سید حسین و کریمی پرشه، سجاد. (۱۴۰۳). تحول قدرت نرم عربستان سعودی در دوره محمد بن سلمان. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۶(۳)، ۲۵۷-۲۸۳.

۱. مقدمه

عربستان سعودی با توجه به پیشینه تاریخی و موقعیت ژئوپلیتیکی خاصی که در آن قرار دارد، از مهم‌ترین بازیگران حاضر در منطقه خاورمیانه و همچنین اصلی‌ترین بازیگر در جهان عرب به حساب می‌آید. از این رو، نقش آفرینی در حوزه‌ها و ابعاد مختلف قدرت و تعاملات منطقه‌ای جزء لاینفک سیاست خارجی این کشور شمرده می‌شود. با آغاز دور جدید تحولات در سطح منطقه و جهان، عربستان تلاش کرد بتواند بازیگری مؤثر در این عرصه باشد تا هم منافع و امنیت خود را تأمین کند و هم با تأثیرگذاری مثبت در بازی قدرت بتواند وجهه خارجی برای خویش به ارمغان آورد. این قدرت منطقه‌ای با شروع موج تحولات عربی در سال ۲۰۱۱ در کشورهای مختلف به صورت مستقیم و غیرمستقیم حضور داشته است. در نهایت با روی کار آمدن ملک سلمان به عنوان پادشاه جدید در عربستان و پروسه گذار قدرت، که باعث ولیعهدی پسرش، محمد بن سلمان شد، دور جدید تحولات گسترده در هر دو حوزه سیاست داخلی و خارجی در عربستان سعودی آغاز شده است. ولیعهد جوان با توجه به موقعیت محوری کشورش در جهان اسلام و عرب و همچنین در آمد هنگفتی که با فروش نفت به خزانه دولت واریز می‌شود، برای ارتقای جایگاه کشور خود دست به اقدامات گسترده‌ای زد. وی برای جا نماندن از قافله رقابت در مقابل بازیگران منطقه‌ای و جهانی، اهداف بلندپروازانه‌ای را ترسیم کرده و با توجه به بهره‌مندی عربستان از مؤلفه‌های پراهمیتی مثل فرهنگ، دین، سیاست، اقتصاد و روابط خارجی سعی کرده پای خود را فراتر از پیشینیان‌اش قرار دهد و به صورت دوچندان از ابزارهای موجود برای تحقق آمال خود استفاده کند.

محمد بن سلمان در سال‌های اخیر که بر مسند قدرت تکیه زده است، علاوه بر تأکیدی که در حوزه قدرت سخت برای حفظ و ارتقای جایگاه کشورش دارد، به صورت ویژه در حوزه قدرت نرم در حال سرمایه‌گذاری است، زیرا به درستی جایگاه قدرت نرم را در تعاملات ملی و بین‌المللی درک کرده است. از این جهت، با تأکید بر مؤلفه‌های قدرت نرم، که سابقاً از آن بهره‌مند می‌شد، با برنامه‌ریزی گسترده و ویژه و همچنین سرمایه‌گذاری روی مؤلفه‌های نو همچون گردشگری فرامنطقه‌ای و غیرمذهبی در کنار حوزه‌های مهمی چون سیاست خارجی و ورزش به دنبال تقویت و ارتقای قدرت نرم ریاض است تا رقبای منطقه‌ای را یکی پس از دیگری پشت سر بگذارد و به قدرت محوری در غرب آسیا تبدیل شود. در این راستا، سؤال طراحی شده در پژوهش حاضر چنین است: مهم‌ترین مؤلفه‌های تحول قدرت نرم عربستان سعودی در دوره محمد بن سلمان در چه حوزه‌هایی بوده است؟

۲. پیشینه پژوهش

نجات الاتیسی^۱ (۲۰۱۹) در مقاله «دیپلماسی عمومی و قدرت نرم: مطالعه موردی عربستان سعودی» به راهبردها و استراتژی‌های کلان عربستان در بهره‌گیری از قدرت نرم، با به‌کارگیری دیپلماسی عمومی اشاره دارد. نویسنده بر این باور است که ریاض در اهداف و سیاست‌های خود برای خارج شدن از اقتصاد وابسته به نفت جایگاه ویژه‌ای را برای دیپلماسی عمومی و قدرت نرم اختصاص داده است. در نظر ریاض، این عوامل در انتقال اقتصاد عربستان به حوزه‌های گوناگون می‌تواند نقش به‌خصوصی ایفا کند.

فاروق عظیم بن احمد^۲ (۲۰۲۳) در مقاله «منابع و استراتژی‌های قدرت نرم در عربستان سعودی» به دگرگونی‌های عظیم در قدرت نرم عربستان سعودی اشاره دارد. ادعای مقاله این است که قدرت نرم عربستان سعودی به‌شکل ویژه‌ای در جایگاه این کشور در عرصه‌های گوناگون تأثیر گذاشته و این کشور نه تنها به‌عنوان یک قدرت در حوزه انرژی بلکه در سایر حوزه‌ها همچون گردشگری به‌عنوان بازیگر نوظهور شناخته می‌شود. این در حالی است که ریاض با بهره‌گیری از قدرت نرم خود به دنبال اهداف کلان اقتصادی و سیاسی است.

التیامی نیا و تقوائی نیا (۱۳۹۵) در مقاله «تبیین و جایگاه قدرت نرم در تحقق اهداف سیاست داخلی و خارجی» بیان می‌کنند دولت‌هایی که از امکانات، ابزارها، مؤلفه‌های فرهنگی و معنوی بهتر و بیشتری برخوردار هستند، در حوزه عمل می‌توانند تأثیر بیشتری در ساختار نظام بین‌الملل داشته باشند. براین اساس، می‌توان کشورهای را که دارای قدرت تأثیرگذاری و قدرت نرم بالاتری هستند، در رأس هرم قدرت در نظر گرفت و کشورهای فاقد چنین قدرتی را در ذیل آنها جای داد.

سعیدی و اسماعیلی (۱۴۰۰) در مقاله «بررسی تطبیقی مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در حوادث بعد از بیداری اسلامی» از سه منظر فرهنگ و علم، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی، قدرت نرم ایران و عربستان در منطقه خاورمیانه پس از تحولات ۲۰۱۱ را مقایسه تطبیقی کرده‌اند. نویسندگان بر این باورند که ایران در هر سه مورد مطرح‌شده به‌خوبی قابلیت بهره‌برداری و تأثیرگذاری را در منطقه داراست، اما عربستان را تنها در

-
1. Najab Al Otaibi
 2. Farouk Azeem Bin Ahmad

بعد فرهنگی در منطقه موفق می‌دانند و در زمینه سیاست خارجی و ارزش‌های سیاسی راهبردهای ریاض را شکست‌خوده تلقی می‌کنند و می‌گویند عربستان با وجود صرف هزینه‌های فراوان، اما با شروع تحولات عربی از سال ۲۰۱۱، حمایت‌های این کشور از گروه‌های سلفی و تروریستی و حمله به خاک یمن باعث تضعیف قدرت نرم این کشور شده است.

پوراحمدی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «واکاوی قدرت نفوذ عربستان سعودی در منطقه و جهان اسلام و راهبرد مقابله با ایران» راهکارهای قدرت نرم عربستان در خاورمیانه در مقابله با قدرت نفوذ ایران را بررسی کرده‌اند. نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که عربستان با توجه به نقشی که در جهان اسلام و بین کشورهای عربی دارد و با استفاده از اندیشه‌های وهابیت در پی گسترش شیعه‌ستیزی در منطقه است و علاوه بر این، از ابزارهای دیگر قدرت از جمله دلارهای نفتی، سیاست خارجی گسترده و استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای و رسانه‌های مختلف به دنبال محدود کردن فعالیت‌های ایران است.

علی‌رغم مطالب ارزشمند فوق و سایر پژوهش‌های مرتبطی که امکان بررسی همه آن‌ها در این اثر وجود نداشت، می‌توان ادعا کرد پژوهشی که مسئله قدرت نرم و ابعاد مختلف آن را در دوره ولیعهدی محمد بن سلمان در عربستان به صورت تفصیلی و تحلیلی بررسی کند، کمتر انجام شده است. آثاری که پیش از این منتشر شده‌اند، صرفاً به مؤلفه‌هایی پرداخته‌اند که سابقاً مورد توجه حاکمان سعودی بوده، در صورتی که اثر حاضر علاوه بر تحول در نوع نگرش به مؤلفه‌های سابق در این دوره حکمرانی، به ورزش و گردشگری غیرمذهبی نیز پرداخته است. گذشته از این، چالش‌های قدرت نرم عربستان در این دوره نیز مورد توجه قرار گرفته است تا رویکردی جامع‌تر حاصل شود.

۳. چهارچوب مفهومی

۳-۱. قدرت نرم

مفهوم قدرت از موضوعات مهم در سیاست بین‌الملل است و سیاست بدون قدرت معنای واحدی نخواهد داشت. (Ghasemi, 2017: 78-79). در ساده‌ترین تعریف، قدرت را «توانایی تأثیرگذاری و اعمال نفوذ در دیگران برای دستیابی به نتایج مورد نظر و دلخواه» یا اجبار آن دیگری به انجام کاری که درغیراین صورت حاضر به انجام آن نبوده است بیان می‌کنند. (De-

75: hghani Firouzabadi, 2016). در یک تقسیم‌بندی کلی قدرت را می‌توان به دو بخش «قدرت سخت» و «قدرت نرم» تقسیم کرد که نظریه‌پرداز اصلی آن جوزف نای^۳، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه هاروارد است.

در قاموس فکری نای، قدرت سخت را می‌توان قدرت کمی در نظر گرفت (Nye, 2013: 24) این نوع قدرت از راه دستیابی به توانایی‌های مادی مانند توانایی نظامی و اقتصادی که می‌توانند در نتیجه کار تأثیر بگذارند، به وجود می‌آید. (Dehghani Firouzabadi, 2016: 89) واقع‌گرایی را می‌توان مهم‌ترین منبع فکری قدرت سخت دانست. از مهم‌ترین ویژگی‌های آن، نمایان بودن منابع دردسترس است. گسترش و افزایش تسلیحات نظامی و سخت‌افزاری، در نظر گرفتن بودجه‌های کلان برای سامانه‌های دفاع جنگی، افزایش و آماده‌سازی نیروهای نظامی و استفاده از شیوه‌های نظامی در ساختار سیاسی برای کنترل اوضاع از ابزارهای قدرت سخت به‌شمار می‌آیند. (Fatahi Ardakani and others, 2018: 137) طبق تعریف جوزف نای، قدرت نرم توانایی برای شکل دادن به اولویت‌های دیگران تعریف می‌شود و همراهی‌کننده برای نجات خود با استفاده از هویج‌ها و چماق‌هاست. (Nye and others, 2016: 42-43) نای قدرت نرم را «توانایی تأثیرگذاری در دیگران از طریق ابزارهای همدست‌کننده و همکاری‌جویانه تنظیم‌دستور کار، تشویق، اقناع، جاذبه و جذب برای دستیابی به نتایج مطلوب» تعریف می‌کند. (Nye, 2011: 20-21)

قدرت نرم دارای ماهیتی عاری از خشونت است و بر عواملی مانند فرهنگ، تاریخ، هویت، مذهب و... توجه دارد و از رسانه، علم و دانش بهره می‌گیرد. (Olyaei and others, 2021: 133) از لایه‌های اساسی قدرت نرم می‌توان به عناصر فرهنگی و اعتقادی، اجتماعی و انسانی، رسانه، عناصر اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک و علمی و فناوری اشاره کرد. (Shaba-ni Saroei, 2013: 83) هرچند قدرت نرم و قدرت سخت متفاوت از هم هستند، اما بین آنها گاهی ارتباط وجود دارد، زیرا هر دو نوع، توانایی دستیابی به نتایج مطلوب از طریق تأثیر بر رفتار، هدف مشخص خود را دارند. تاجایی که بعضی مواقع قدرت نرم و قدرت سخت یکدیگر را تکمیل و تقویت می‌کنند و گاهی نیز با یکدیگر تداخل دارند (Dehghani Firou-zabadi, 2021: 189)، اما فهم درست قدرت نرم، با نگاهی تطبیقی به قدرت سخت بهتر

3. Joseph Nye

حاصل خواهد شد. هر چند قدرت سخت دچار تحولات بسیاری شده است، اما قدرت نرم برخلاف قدرت سخت، که دارای ماهیت وجودی بسیطی است، ماهیتی چندبعدی دارد. (Saidi & Ismaili, 2021: 92)

برخی از ویژگی‌های قدرت نرم را می‌توان این‌گونه برشمرد: ۱- دارای بعد ساختاری و غیرمستقیم است. ۲- دارای تأثیرات پراکنده و نفوذ فراگیر است. ۳- قابلیت سرمایه‌گذاری برای آینده را دارد. ۴- در بلندمدت آثارش نمایان می‌شود. ۵- تأثیرگذاری آن به تمایل بازیگران تحت تأثیرش بستگی دارد. ۶- موفقیت آن در عصر ارتباطات به چگونگی استفاده از قابلیت‌های اطلاعاتی و ارتباطی بستگی دارد. ۷- هر چقدر گستره آن بیشتر باشد و نقش دیگران در ارزش‌ها مشخص‌تر در نظر گرفته شود، میزان تمایل برای همکاری را بیشتر می‌کند. (Deh-ghani Firouzabadi, 2021: 190) ازسوی دیگر، افزایش ارتباطات و نقش ویژه فناوری‌های نوین در حوزه‌های گوناگون بین‌المللی باعث اهمیت روزافزون قدرت نرم در شکل‌های مختلف آن شده است. دولت‌ها در عرصه‌های زندگی سیاسی بین‌المللی آگاه‌اند که فارغ از قدرت سخت، قدرت نرم و شکل‌های مختلف آن از اهمیت بسزایی برخوردار است. امری که می‌تواند جایگاه دولت‌ها را به شکل قابل ملاحظه‌ای ارتقا دهد. حال و پس از بررسی مفهوم قدرت نرم قصد داریم به قدرت نرم عربستان سعودی از زمان روی کار آمدن محمد بن سلمان بر مسند ولیعهدی بپردازیم.

۲-۳. مؤلفه‌های قدرت نرم عربستان سعودی

اگرچه عربستان سعودی بنا به ظرفیت‌های تاریخی، اقتصادی و مذهبی خود همواره مؤلفه‌های تاثیرگذاری در حوزه قدرت نرم داشته؛ در دوره محمد بن سلمان، ابعاد و مؤلفه‌های قدرت نرم این کشور دچار تحولاتی شده است. قدرت‌گیری محمد بن سلمان و نخبگان جدید در عربستان سعودی، که در عرصه داخلی به سوی اصلاحات اجتماعی لیبرالی رفته و در عرصه بین‌المللی نیز به دنبال ارتقا و تثبیت جایگاه عربستان در نظم اقتصادی سیاسی جهان هستند، پیامدهای قابل توجهی در عرصه قدرت نرم این کشور داشته است به گونه‌ای که موجب شده از یک سو، ابزارهای سابق این کشور در عرصه قدرت نرم دچار تحول و ازسوی دیگر، مؤلفه‌های جدیدی در قدرت نرم این کشور مطرح شود. در این بخش مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت نرم عربستان در دوره جدید واکاوی می‌شود.

۳-۲-۱. اقتصاد

نقش اقتصاد، به عنوان ابزاری نوین در پیشبرد موفقیت آمیز سیاست خارجی در عصر جهانی شدن حائز اهمیت است و به عنوان مکمل کمبودهای دیپلماسی سنتی در نظر گرفته می شود. مدیریت دیپلماسی اقتصادی نوین به عنوان گزینه ای برای توسعه صادرات، تسهیل کننده مسیر جذب سرمایه گذاری و فناوری خارجی و توسعه صنعت توریسم از دیگر کارکردها و ویژگی های تازه دیپلماسی است که بیش از پیش مهم تلقی می شود. (Akhavan Kazemi, 2013: 16)

اگر در قرن نوزدهم و تا اواخر قرن بیستم بخش قابل توجهی از سرمایه و هزینه دولت ها در بعد خارجی قدرت، صرف گزینه نظامی برای حفظ امنیت و دفاع از خود می شد و هر آن دولتی که بیشترین توانمندی را در این حوزه دارا بود، موفق تر عمل می کرد، اما از اواخر قرن بیستم و در عصر حاضر کشورها نمی توانند تنها بر یک لایه از قدرت تمرکز کنند و باید علاوه بر توانمندی در حوزه نظامی در بخش های دیگر مثل دیپلماسی عمومی، اقتصادی، ورزشی، سایبری و... نیز حرفی برای گفتن داشته باشند. در این بین، یکی از اصلی ترین گزینه های تمرکز دولت ها روی اقتصاد است. با این مقدمه، می توان به خوبی اشاره کرد که نقش اقتصاد در پیشبرد اهداف، عملکرد و افق توسعه دولت ها اگر بیشتر از گزینه سنتی قدرت، یعنی مؤلفه نظامی نباشد، به یقین کمتر نخواهد بود و هر آن دولتی که بتواند با اقتصاد پویا و فعال خود میزان تولید، صادرات و ارزآوری قابل توجهی داشته باشد و آن را در راستای برطرف کردن نیازمندی هایش در ابعاد مختلف برای توانمندی هر چه بیشتر خود هزینه کند، آینده روشنی تری برای خود و مردمش محقق خواهد کرد.

عربستان سعودی با ذخیره حدود ۱۶۰ میلیارد بشکه نفت و ۲۵ درصد از منابع انرژی جهان، توانایی تولید روزانه ۱۲ میلیون بشکه نفت را دارد و می تواند بازار جهانی و قیمت تولید این محصول اساسی را کنترل کند و در سطح منطقه ای و جهانی علاوه بر کنترل قیمت، در تولید، توزیع و مصرف آن نیز به طور مشخص ایفای نقش کند. (Jamshidi and others, 2021: 93)

این کشور در حوزه سیاست خارجی از نفت به عنوان ابزاری برای تعمیق، تثبیت و گسترش نفوذ خود بهره مند می شود. سعودی ها با توجه به ذخایر عظیم نفت، نیازمند دیپلماسی هدفمندی در زمینه انرژی هستند و به دلیل تولید مازاد بر نیاز، نقش خود را در این عرصه پررنگ تر جلوه می دهند و می توانند به وسیله همین قابلیت، در دوران بحران، تولید را افزایش دهند و در جهت تضعیف رقبای خود عمل کنند. (Olyaei and others, 2021: 139) آن ها به خوبی درک کرده اند

که از طریق ابزار نفت چگونه می‌توانند در سیاست جهانی نقش آفرینی کنند. در بزنگاه‌های حساس از جمله شرایط جنگی، که جهان نیاز بیشتری به این کالای استراتژیک دارد با کاهش تولید در پی افزایش قیمت برمی‌آیند یا با کاهش قیمت در پی تضعیف رقبای خود هستند. در این خصوص می‌توان به تحریم نفتی ایران در دوره ریاست جمهوری ترامپ و پس از خروج از برجام از سوی ایالات متحده اشاره کرد که عربستان تولید نفتی خود را افزایش داده بود تا خریداران نفتی که پیش از این با ایران معامله می‌کردند از طریق نفت مازاد عربستان نیازشان برطرف شود. یا مورد دیگر به جنگ روسیه و اوکراین برمی‌گردد. با وجود آنکه از نظر برخی تحلیل‌گران به نظر می‌رسید در این جنگ، عربستان همسو با غرب در کنار کی‌یف قرار بگیرد و به‌صورت علنی از آن حمایت کند، اما با موضعی متفاوت، علی‌رغم آنکه با اوکراین ارتباط خود را حفظ کرد، در قالب سازمان اوپک تولید نفت خود را کاهش داد که این اقدام می‌تواند به نفع روسیه تمام شود؛ تصمیمی که واکنش‌های زیادی را از سوی غرب برانگیخت.

قدرت عظیم مالی عربستان، همواره به‌عنوان منبع اصلی پرداخت کمک‌های اقتصادی به کشورهای کمتر توسعه‌یافته عربی و اسلامی نقش آفرینی پررنگی از خود نشان داده است. (Gallarotti & Al Filali, 2012: 242) کمک‌های عربستان علاوه‌بر وابستگی اقتصادی دیگر کشورها، باعث تبعیت نظامی و سیاسی آن‌ها نیز شده است که چنین امری در بزنگاه‌های مهم، همراهی کامل این کشورها با ریاض را به‌دنبال خواهد داشت. (Darvishi, 2018: 122-123) این کمک‌های مالی که به کشورهایی چون، مصر، سودان، بحرین، پاکستان و... ارائه می‌شود، در نگاه اول تعبیری بشردوستانه به خود می‌گیرد، اما در افقی فراتر، عربستان در پی همراه کردن کشورهای فوق در ائتلاف‌های سیاسی - نظامی و استراتژیکی است که ممکن است در منطقه و جهان شکل بگیرد. برای نمونه، همراهی بحرین و مصر در ائتلاف و محاصره‌ای که عربستان در سال ۲۰۱۷ علیه قطر شکل داده بود نمایان شد یا کمک‌های مالی عربستان به سودان به‌خاطر شرایط پیچیده سیاسی و اختلافات داخلی در این کشور است تا جریان مخالف با سیاست‌های عربستان در سودان به قدرت نرسد.

از دیگر اقداماتی که در دوره جدید حکمرانی عربستان مورد توجه است، می‌توان به بلندپروازانه‌ترین طرح اقتصادی جهان، یعنی پروژه آینده جدید معروف به نئوم عربستان در سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ این کشور اشاره کرد. از زمانی که محمد بن سلمان طرح فوق را اعلام کرد، به‌مراتب بیشتر از تمامی طرح‌های مشابه یا نزدیک به خود در سراسر رسانه‌های جهان مورد

توجه قرار گرفته است. (Heibach, 2021: 11-12) زیرساخت‌هایی که قرار است در پروژه نئوم به بهره‌برداری برسد؛ ۵۰ مرکز گردشگری، چهار شهرک مدرن و... است. همچنین قرار است در آینده به قطب انرژی و آب، حمل و نقل، بیوتکنولوژی، رسانه‌ها و تولیدات چندرسانه‌ای، سرگرمی و گردشگری و مرکزی برای ایجاد زندگی استاندارد برای نمونه و الگویی برای دیگر مناطق عربستان و منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا تبدیل شود. (Ajurlo, 2018: 95) اقدامات کلان اقتصادی و تفریحی، که بن‌سلمان در حال اجرای آنهاست، علاوه بر پروژه عظیم نئوم، ایجاد شهر پانگئوس است که ایده آن را یک شرکت ایتالیایی به ولیعهد سعودی ارائه کرده است. پیش‌بینی شده زمان ساخت این شهر، که یک سازه عظیم شناور در دریاست، حدود هشت سال طول می‌کشد و نزدیک به ۶۰ هزار نفر ظرفیت خواهد داشت. این شهر قرار است بندرهای کشتی‌رانی، فرودگاه، هتل و مراکز تجاری داشته باشد. درنهایت آخرین پروژه اقتصادمحور عظیمی که محمد بن‌سلمان در فوریه ۲۰۲۳ از آن رونمایی کرد، سازه‌ای مکعبی شکل به نام «مربع جدید»^۴ در شهر ریاض است. این مکعب که ۴۰۰ متر و حدود ۲۰ کیلومتر مساحت دارد اولین مقصد همه‌جانبه و تجربی جهان خواهد بود که از امکانات رفاهی فراوانی از جمله رستوران، مراکز خرید و تفریحی برخوردار است که پیش‌بینی می‌شود مقصد بسیاری از گردشگران باشد. همه این عوامل در کنار پروژه‌های کوچک‌تری که قرار است در طول یک دهه آینده به بهره‌برداری برسد در جهت تحقق اهداف بلندپروازانه بن‌سلمان و هدف اول برای گردشگران در منطقه و درنهایت امر، رهایی از وابستگی صرف به درآمدهای نفتی خواهد بود.

عامل دیگری که در حوزه اقتصادی می‌توان به آن اشاره کرد، شورای همکاری خلیج فارس است. در چهارچوب این شورا، از زمان شکل‌گیری با وجود همکاری‌های صورت گرفته و پیشرفت‌های حاصله میان اعضای آن در حوزه‌های مختلف از جمله اقتصاد، اما همواره مشکلات و اختلافاتی وجود داشته که مسیر تحقق اهداف ترسیم‌شده در زمان شکل‌گیری و تبدیل شدن به یک سازمان منطقه‌ای کارآمد و قوی همچون اتحادیه اروپا را طولانی و شاید غیرممکن کرده باشد (Jansiz & Mousavi Kordmiri, 2022: 130)، اما در دور جدید حکمرانی، دولت عربستان سعی دارد با گسترش بیش از پیش روابط خود با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و همچنین دیگر کشورهای اسلامی و جهان، نگاهی ویژه به اقتصاد خود داشته باشد. دراین‌راستا، به فرایند عملیاتی شدن بازار مشترک با شورای مذکور، یکپارچه‌سازی گمرکات و قانون اتصال

4. New Murabba

راه‌های مواصلاتی اقدام کرده و تلاش دارد با ایجاد خطوط جاده‌ای و ریلی با مصر به آفریقا نیز راه پیدا کند. (Ajurlo, 2018: 87) عربستان، امارات و قطر با وجود روابط دوستانه‌ای که با یکدیگر دارند، اما در حوزه اقتصادی، با یکدیگر رقابت می‌کنند و در برخی موضوعات اتخاذ نشدن تصمیم مشترک باعث واگرایی پنهان در روابط آنها می‌شود، اما با روند جدید صلح‌گرایی در منطقه خاور میانه و خلیج فارس، عربستان سعی دارد همگرایی موجود در خاور میانه را حفظ کند و حتی در پی راه‌حلی برای مسئله فلسطین است تا با اسرائیل نیز به توافق دست یابد و منطقه‌گرایی را به‌گونه‌ای ارتقا بخشد که همچون اتحادیه اروپا به صلحی پایدار برسد.

۳-۲-۲. سیاست خارجی

سیاست خارجی به معنای «مجموعه‌ای از اهداف، دستورالعمل‌ها و مقاصد تدوین‌شده توسط افراد صاحب اقتدار و منصب رسمی در قبال بازیگران یا وضعیت‌های بین‌المللی در محیط خارجی دولت-ملت دارای حاکمیت به منظور تأثیرگذاری در آنان به شیوه مطلوب سیاست‌گذار» است. (Dehghani Firouzabadi, 2022: 197) با توجه به تعریف فوق، زمانی که بخواهیم سیاست خارجی عربستان سعودی در دوره بن‌سلیمان را در چهارچوب قدرت نرم بررسی کنیم، باید از مؤلفه‌هایی استفاده شود که اهداف و مقاصد آن برای هر چه بهتر رسیدن به اهداف به‌گونه‌ای اجرایی شود که بر دولت‌ها و جوامع هدف تأثیرگذار و مورد رضایت باشد. در ادامه برخی از مهم‌ترین ابزارهای قدرت نرم عربستان سعودی در بخش سیاست خارجی برای تحقق اهدافش بررسی خواهد می‌شود.

۳-۳. اهمیت عربستان در جهان اسلام و جهان عرب

شاخصه‌های متعددی در زمینه معنوی قدرت برای بازیگران در حوزه داخلی و بین‌المللی که دارای ماهیت روانی هستند، تعریف می‌شود. از میان آنها می‌توان به مواردی چون هویت قومی و مذهبی، ریشه‌های زبانی، وحدت فرهنگی و نقش رهبری اشاره کرد. (Simbar & Ghorbani, 2015: 86) عربستان سعودی در سراسر جهان اسلام به‌عنوان سرزمین حرمین شریفین مورد احترام است. (Gallarotti & Al Filali, 2012: 239) شاهزاده بن‌سلیمان به‌خوبی از اهمیت جایگاه دین و اماکن مقدس در کشور عربستان آگاه است و برای تحقق اهداف ترسیم‌شده در سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ سعی می‌کند حداکثر بهره‌مندی را از آن داشته باشد. امکانات رفاهی ویژه‌ای برای حج‌گزاران در تمام طول سال به‌خصوص در زمان حج تمتع، که بین ۲ تا ۳

میلیون زائر هم‌زمان مناسک حج را به‌جا می‌آورند، فراهم می‌کند. این اقدام باعث می‌شود تازمانی که حجاج به کشورهای خود برگشتند از عربستان به‌نیکی یاد کنند و در افکار عمومی جامعه خود تأثیرگذاری مثبتی داشته باشند. پادشاهی سعودی درآمدی در حدود ۱۵۰ میلیارد دلار از حج به‌دست می‌آورد و سعی دارد با فراهم کردن زیرساخت‌های لازم برای پذیرش مسافران در افق ۲۰۳۰، سالانه میزبان حدود ۳۰ میلیون مسلمان برای سفر زیارتی در قالب حج تمتع و عمره باشد که درآمد حاصله از آن رقم هنگفتی خواهد شد که می‌تواند منبع مالی قابل اعتمادی برای طرح‌های توسعه‌ای، رفاهی و صندوق ذخایر ارزی آن باشد.

با نگاهی به سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ به‌خوبی نقش دین و جایگاه عنصر عربی را می‌توان مشاهده کرد. بن‌سلمان در مقدمه این سند می‌نویسد: «ما آگاهی‌م که خداوند متعال سرزمینی به ما اعطا کرد که از نفت هم ارزشمندتر است. مملکت ما سرزمین دو حرم شریف و مقدس‌ترین مکان روی زمین است و کعبه که بیش از یک میلیارد مسلمان رو به آن نماز می‌گذارند... چشم‌انداز ما کشوری بردبار است که قانون اساسی آن اسلام و روش آن اعتدال است». (Ajur- 2018: 27) البته ناگفته نماند که اصلاحات بن‌سلمان در عربستان درنهایت امر به لیبرالیزه کردن فضای فرهنگی جامعه و گسترش آزادی‌های اجتماعی منجر خواهد شد که در جامعه پیچیده عربستان، که بنیان حکومت بر روایتی سنتی از اسلام استوار بوده است، می‌تواند چالش‌زا باشد و تأثیری منفی در مشروعیت حکومت داشته باشد (Niakooee, 2020: 64)، اما باید اشاره کرد که هرچند اسلام و علمای وهابی نقش ابزاری در تثبیت جایگاه سعودی‌ها در داخل عربستان داشته‌اند، ولی همچنان اسلام تعریف‌کننده جایگاه و اعتبار عربستان در بین کشورهای اسلامی و عربی است و جدا از وجهه مادی آن، باعث تأثیرگذاری در جریان‌های همسو و شکل‌گیری ائتلاف‌های هنجاری در مقابل شیعیان یا جریان‌های تجدیدنظرطلب است. (Alikhani, 2022: 64) براساس نظرسنجی موسسه آمریکایی گالوپ در سال ۲۰۲۲، در طی سال‌های گذشته قدرت نرم عربستان در ۱۳ کشور اسلامی شرکت‌کننده در نظرسنجی به‌طور محسوس بین کشورهای اسلامی افزایش پیدا کرده است. (Gallup, 2023) عربستان با در نظر گرفتن نقش رهبری خود برای مسلمانان به‌ویژه مسلمانان اهل سنت، همواره خود را حامی آنها می‌داند و از طریق نظام آموزشی یا رسانه‌ها، که در بخش‌های بعدی به آن پرداخته خواهد شد، تأثیرات بسیاری در جوامع مسلمان بر جای گذاشته است.

تأکید ویژه بر عنصر عربیت به‌طور ذاتی نقش مهم و تأثیرگذاری در جایگاه رهبری

عربستان در جهان عرب ایفا می‌کند. (Alikhani, 2022: 60) عربستان به‌عنوان خاستگاه بسیاری از قبایل عرب، که در حال حاضر در دیگر کشورهای عربی زندگی می‌کنند، اما شجره‌نامه خود را از قبایل عربستان می‌داند، مورد احترام است. از طرفی با شروع هزاره سوم و از زمان حمله آمریکا به عراق در ۲۰۰۳، که منجر به سقوط صدام و حزب بعث شد و همچنین پس از آغاز اعتراضات گسترده در جهان عرب از سال ۲۰۱۱ و ناآرامی‌های داخلی در کشورهای مختلف از جمله مصر، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهایی که اندیشه‌های پان‌عریسم در آن از زمان جمال عبدالناصر جریان داشته است، عربستان سعودی به‌عنوان تنها کشوری که نقش رهبری را در جهان عرب برعهده دارد، باقی ماند. جدا از عربیت، فرهنگ دینی مشترک (اسلام) نیز تنها دین رسمی در کشورهای عرب شناخته می‌شود و عربستان به‌خاطر ریشه‌های تاریخی و وجود اماکن مقدس مسلمانان همواره مورد احترام این کشورها بوده است.

۳-۴. نقش آفرینی در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

عربستان با ایجاد سیستم‌های قوی در سطح منطقه‌ای و جهانی به‌طور کلی، به چندجانبه‌گرایی در این شبکه‌ها متعهد شد. این کشور به‌عنوان یکی از اعضای مهم صندوق بین‌المللی پول^۵، بانک جهانی^۶ و سازمان تجارت جهانی^۷ ظاهر شده است. از نظر منطقه‌ای، یکی از اعضای بنیان‌گذار سازمان کشورهای صادرکننده نفت^۸ (اوپک)، اتحادیه عرب^۹، اتحادیه جهانی مسلمانان^{۱۰}، سازمان همکاری اسلامی^{۱۱} و شورای همکاری خلیج فارس^{۱۲} است (Gallarotti & Al Filali, 2012: 240) و از آنجایی که به‌عنوان عضو مؤسس در برخی از این سازمان‌ها از جمله اوپک، اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس حضور دارد، با استفاده از ظرفیت‌های موجود، اکثراً خروجی سیاست‌های سازمان را در راستای اهداف خود بسیج می‌کند. (Saidi & Esmaili, 2021: 107-108) ریاض به‌خاطر درآمدهای نفتی بالایی که دارد در تنگناهای

5. International Monetary Fund
6. world bank
7. world Trade Organization
8. Organization of Petroleum Exporting Countries
9. Arab League
10. World Muslim League
11. Organization of Islamic Cooperation
12. Persian Gulf Cooperation Council

مالی به کشورهای عربی و سازمان‌های منطقه‌ای از جمله اتحادیه عرب کمک می‌کند که همه این عوامل در کنار یکدیگر باعث می‌شود نقش عربستان در جهان عرب مورد توجه باشد و در بسیاری از مواقع که قرار است کشورها در قالب سازمان‌های منطقه‌ای از جمله اتحادیه عرب یا شورای همکاری تصمیم مشترک اتخاذ کنند، تصمیم نهایی همسو با سیاست‌ها و راهبردهای عربستان اعلام شود. در این باره می‌توان به تعلیق سوریه از اتحادیه عرب در سال ۲۰۱۱، تروریستی خواندن حزب الله در ۲۰۱۶ و رفع تعلیقی سوریه از اتحادیه عرب در سال ۲۰۲۳ اشاره کرد که در سه مورد فوق با وجود مخالفت برخی کشورهای عربی، اما با نظر موافق عربستان و تلاش‌های آن برای تحقق هدف مورد نظر، تصمیم به مرحله نهایی رسید و قابل اجرا شد. همچنین ائتلاف عربی، که در سال ۲۰۱۵ برای جنگ با یمن شکل گرفت، به پیشنهاد و رهبری عربستان بوده است.

علاوه بر این، ریاض تلاش کرد به عنوان هم‌پیمان استراتژیک غرب، روابط خود را با آن حفظ کند و با حمایت از خط سازش در موضوع فلسطین و کوشش برای حل مسالمت‌آمیز مناقصه اعراب و اسرائیل و همچنین رویارویی و مقابله با جریان مقاومت در پی گسترش تعاملات با آمریکا و اروپا باشد. (Ghorbani & Simbar, 2013: 206) در جهان متحول کنونی و در دوره جدید حکمرانی در عربستان، که تحول نسلی را شاهد هستیم، محمد بن سلمان به خوبی متوجه گذار جهان از یک‌جانبه‌گرایی به چندجانبه‌گرایی شد. ترس عربستان از رها شدن در حوزه سیاست خارجی از سوی ایالات متحده به عنوان هم‌پیمان اصلی باعث شد این کشور هم‌زمان در جست‌وجوی متحدان دیگر باشد (Ottaway, 2021: 4-5) و تنها به روابط استراتژیک با غرب بسنده نکند. ریاض سعی دارد بهترین میزان تعاملات را با تمامی قدرت‌های بزرگ و متوسط جهانی و منطقه‌ای داشته باشد. از این جهت، علاوه بر نزدیکی استراتژیک به آمریکا و روابط هدفمند با کشورهای اروپایی، با دیگر بازیگران از جمله روسیه، چین، هند، ایران، ترکیه و رژیم صهیونیستی نیز روابط سازنده‌ای دارد. در این باره می‌توان به احیای مجدد روابط عربستان با ایران اشاره کرد که پس از هفت سال اختلافات شدید و قطع هرگونه همکاری و فعالیت، پس از گفت‌وگوهای سازنده از طریق میانجی‌گرانی چون چین توانستند به توافق برسند. عربستان در این رابطه به خوبی درک کرد که برای تحقق اهداف سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ و تبدیل شدن به کشوری پیشرو در منطقه، بدون در نظر گرفتن بازیگران مهم ممکن نخواهد بود یا با چالش‌های فراوانی همراه است.

۳-۵. دیپلماسی فرهنگی و رسانه‌ای

دیپلماسی فرهنگی تلاش می‌کند از فرصت‌ها و مؤلفه‌های فرهنگی در عرصه بین‌المللی نفوذ سیاسی به‌دست آورد و منافع ملی کشورها را محقق کند. به‌همین دلیل، در عصر حاضر کشورها از طریق سیاست خارجی سعی می‌کنند در عرصه فرهنگی، دیپلماسی فعالی را اتخاذ کنند که همین عامل، ضمانت‌بخش منافع ملی آن‌ها می‌شود. (Simbar & Moghimi, 2016: 42)

عربستان سعودی نیز از طریق جذب دانشجو، طلاب دینی و استفاده از سازمان‌های بین‌المللی همچون رابطه العالم الاسلامی بخشی از دیپلماسی فرهنگی خود را عملی می‌کند. (Olyaei and others, 2021: 136)

سازمان رابطه العالم به‌عنوان سازمانی بین‌المللی در جهان اسلام در حوزه گسترش و نفوذ سیاست خارجی عربستان در کشورهای مختلف فعالیت می‌کند. این سازمان با برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی، حضور در همایش‌های جهان اسلام، انتشار کتاب‌های دینی و فعالیت‌های مجازی سعی می‌کند با استفاده از قدرت نرم بتواند تأثیر بسزایی در جوامع اسلامی داشته باشد. این سازمان با وجود آنکه در زمان شکل‌گیری تنها سیاست‌ها و اندیشه‌های سعودی- وهابی را تبلیغ می‌کرد، اما در دوره جدید حکومت سعودی که اصلاحات اساسی در ساختار دولت، حکومت و جامعه عربستان در حال شکل‌گیری است، در پی توجیه عملکردهای بن‌سلمان در تضعیف جایگاه دین و نقش وهابیت از ساختار سیاسی عربستان است.

رسانه در عربستان همواره وسیله‌ای مهم و تأثیرگذار در سیاست خارجی پادشاهی سعودی بوده و به‌عنوان ابزاری فرهنگی باعث انسجام ملی و همچنین ابزاری جهت تبلیغات فرهنگ سعودی- وهابی است که نفوذ این کشور در بین جوامع دیگر را تسهیل می‌کند. (Ehtesha-mi, 2015: 16)

ریاض با ادعای رهبری بلامنازع خود در مقابل همسایگان سعی دارد از طریق شبکه گسترده MBC آنها را به چالش بکشد و برای مهار همسایگان غیرعرب خود، سیاست‌های ضدشیعه‌گری در مقابل ایران و ضداخوانی در مقابل ترکیه اتخاذ می‌کند و نقش رهبری را برای ائتلاف ضدتروریسم در بین کشورهای اسلامی برای خود محفوظ می‌دارد. (Heibach, 2021: 12-13)

این کشور سعی بر کاهش حضور کشورهای غیرعرب از جمله ایران و ترکیه برای تثبیت جایگاه منطقه‌ای خود دارد. (Filkins, 2018: 19-20)

مقصود نهایی عربستان در حوزه دیپلماسی فرهنگی در جهان اسلام قبولانیدن نقش رهبری خود در تمام ژئوکالچر دنیای اسلام است و فهم اینکه مقاومت در مقابل ریاض هزینه‌آور خواهد بود. (Davand and others, 2019: 106)

۴. گردشگری و ورزش

۴-۱. گردشگری

صنعت گردشگری یا به عبارتی دیگر توریسم در دنیای امروز به یکی از منابع مهم و راهبردی و از حوزه‌های کلیدی قدرت در بین کشورها تبدیل شده است. بازیگران بین‌المللی سعی می‌کنند با برنامه‌های مختلف از این ظرفیت برای بهبود و ارتقای جایگاه خود بهره‌گیرند. عربستان از مهم‌ترین کشورهای آسیای جنوب غربی است که به دلایل گوناگون اعم از مذهبی، تاریخی و طبیعی از ظرفیت‌های بسیاری برای استفاده از این پتانسیل برخوردار است. این کشور موقعیت ویژه‌ای در توسعه و رشد صنعت توریسم دارد، به نحوی که به دلایل مذهبی و دینی هر ساله میزبان مسلمانان بسیاری از سراسر جهان است که جایگاه ویژه‌ای را برای عربستان ترسیم می‌کند، اما در دوره محمد بن سلمان فارغ از گردشگری مذهبی، این کشور به سایر حوزه‌ها و موقعیت‌های گردشگری پذیر خود توجه شایانی کرده است، به عبارتی اتخاذ سیاست‌های گوناگون و ویژه در حوزه‌های مختلف باعث شده ریاض جایگاه و اهمیت دوچندانی را به صنعت توریسم خود اختصاص دهد. عربستان از راه گردشگری فرهنگ خود را ترویج می‌کند و با ارتقا و تمرکز روی صنعت گردشگری، نه تنها از فرصت‌های مالی و سرمایه‌گذاری‌های خارجی و داخلی گوناگون بهره‌مند می‌شود، بلکه از این طریق برای ایجاد پل ارتباطی بین فرهنگ و تاریخ خود با سایر جوامع و مردم بهره خواهد برد. (Alyusufi, 2023: 3) همچنین توریسم به عنوان یکی از شاخص‌های مهم در فرایند توسعه عربستان شناخته می‌شود. این عامل نقش بسیار کلیدی در ایجاد اشتغال و تولید ناخالص داخلی^{۱۳} این کشور داراست. از سوی دیگر، برگزاری رویدادهای گوناگون اعم از هنری و فرهنگی سبب شده سالانه میلیون‌ها گردشگر از سراسر جهان برای بازدید به این کشور سفر کنند. امری که باعث می‌شود ریاض بتواند به شیوه‌های مختلف فرهنگ و تاریخ خود را به جهانیان معرفی کند. (Poncet, 2023: 1) تلاش‌های گسترده ریاض در صنعت توریسم، هدف‌گذاری برای تبدیل کردن این کشور به قطب اول گردشگری بر اساس چشم‌انداز ۲۰۳۰، تدوین برنامه‌های گوناگون برای جذب ۱۰۰ میلیون گردشگر در سال ۲۰۳۰، ایجاد زیرساخت‌های کلان برای توسعه گردشگری مذهبی و ارتقای جایگاه آن از اهداف اساسی عربستان سعودی در سال‌های پیش‌رو است. سرمایه‌گذاری در بخش‌های گوناگون گردشگری و جذب میلیون‌ها گردشگر باعث شده عربستان با بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی،

.....
13. Gross Domestic Product

افزایش ارتباطات و معرفی فرهنگ و هنر خود در ابعاد مختلف، اثرگذاری به خصوصی را در منطقه به دست آورد، تاجایی که ریاض سعی دارد با تمرکز بر صنعت توریسم و شناساندن خود به جهانیان چهره جدیدی از خویش به نمایش بگذارد، به نحوی که در سال‌های اخیر نگاه‌های بین‌المللی به این کشور فارغ از یک قدرت برتر در حوزه‌های انرژی و همچنین کشور اسلامی با میزبانی از اماکن مقدس، به عنوان یک کشور پیشگام در صنعت توریسم و همچنین یکی از قدرتمندترین کشورهای عربی در این حوزه معرفی شود. (Mignanego, 2023: 2) کوتاه سخن اینکه عربستان گردشگری را یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های قدرت نرم خود می‌داند و در این راستا با اتخاذ برنامه‌های گوناگون به دنبال توسعه و بسط قدرت نرم خود است، به نحوی که براساس برنامه و اهداف کلان، عربستان توسعه این صنعت در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی را جزء اهداف استراتژیک خود در نظر گرفته است؛ امری که فارغ از فواید اقتصادی و مالی می‌تواند باعث افزایش تأثیرگذاری این کشور در عرصه‌های جهانی و منطقه‌ای شود.

۴-۲. ورزش

ورزش به یکی از مهم‌ترین حوزه‌های سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی تبدیل شده است. این حوزه صرفاً فعالیت‌های تفریحی و ابزاری برای رشد و ارتقای ابعاد روحی و ذهنی جوامع قلمداد نمی‌شود، بلکه در ابعاد کلان به عنوان یک فرصت برای معرفی چهره جدید از خود و کسب پرستیژ بین‌المللی و گسترش ظرفیت‌ها و توسعه زیرساخت‌ها شناخته می‌شود. توسعه ورزش در دهه‌های اخیر به گونه‌ای بوده که کشورها را به سمت فعالیت گسترده ورزشی و کسب میزبانی‌های رویدادهای مهم ورزشی همچون بازی‌های المپیک^{۱۴} و جام جهانی فوتبال^{۱۵} سوق داده است. امری که نه تنها باعث کسب درآمدهای گسترده اقتصادی، بلکه باعث تولید چهره جدید و حتی ارتقای قدرت نرم می‌شود. عربستان سعودی از جمله کشورهایی است که در دهه اخیر، به خصوص از زمان محمد بن سلمان، استراتژی ویژه‌ای در حوزه ورزش و توسعه زیرساخت‌های ورزشی خود داشته است. به عبارتی در سالیان اخیر ریاض با تدوین نقشه راه مدون در حوزه ورزش و زیرساخت‌های کلیدی آن توانسته به یکی از اصلی‌ترین کشورهای منطقه در این حوزه تبدیل شود. توسعه ورزش در عربستان در سال‌های اخیر توجه بسیاری را به خود جلب کرده است که در بسیاری از رشته‌ها به خصوص فوتبال شاهد تحولات بسیاری شد.

14. Olympic Games

15. FIFA World Cup

سرمایه‌گذاری‌های کلان این کشور در حوزه مستطیل سبز، که یکی از پردرآمدترین ورزش‌ها و همچنین از صنعت‌های مهم عرصه اقتصاد ورزش شناخته می‌شود، دیدگاه جهانی نسبت به این کشور را در حال دگرگون کردن است. به عبارتی ریاض در پی آن است که دیدگاه‌های منفی موجود نسبت به خود را با بهره‌گیری از قدرت نرم ورزش از بین ببرد. انجام فعالیت‌های مهم ورزشی همچون مسابقات بوکس، برگزاری سوپرکاپ اسپانیا^{۱۶} و سوپرکاپ ایتالیا^{۱۷} و همچنین کسب میزبانی جام باشگاه‌های فوتبال جهان^{۱۸}، میزبانی جام ملت‌های فوتبال آسیا^{۱۹} در سال ۲۰۲۷ و علاوه بر این کسب میزبانی بازی‌های زمستانی آسیا^{۲۰} در سال ۲۰۲۹ و تلاش‌های گسترده و رایزنی‌های گوناگون برای کسب میزبانی جام جهانی ۲۰۳۴ از مهم‌ترین اقدامات این کشور محسوب می‌شود. (Walker, 2023: 2) از دیگر اهداف گسترده عربستان در حوزه ورزش سرمایه‌گذاری‌های کلان در سایر کشورهاست. این کشور با صرف بودجه‌های هنگفت اقدام به خرید باشگاه‌های مطرح ورزشی جهان در کشورهایی همچون انگلستان کرده است. امری که باعث می‌شود ریاض دامنه تأثیرگذاری خود را در سایر حوزه‌ها گسترش دهد. این در حالی است عربستان در مسیر استراتژی ویژه خود در حوزه ورزش اقدام به جذب ورزشکاران محبوب و طرفدار جهان همچون کریستیانو رونالدو، نیمار، بنزما و... کرده است. هر یک از این ورزشکاران، محبوبیت بسیاری دارند که این امر باعث شده نگاه‌های جهانی و همچنین نگاه طرفداران میلیونی این ورزشکاران به سمت عربستان سعودی معطوف شود که باعث می‌شود تعریف جدیدی از ریاض در اذهان عمومی ایجاد شود. (Riquelme, 2023: 3) توسعه ورزش در عربستان به عنوان راهبردی کلیدی برای اشاعه فرهنگ و تاریخ این کشور در نظر گرفته می‌شود. ریاض با برنامه بلندمدت از طریق توسعه زیرساختی ورزشی به دنبال ارتقای قدرت نرم خود است. امری که در دوره‌های گذشته به آن توجه کمتری شده بود. با وجود این، نخبگان سعودی به خصوص از زمان روی کار آمدن محمد بن سلمان به خوبی آگاه هستند که توسعه ورزش در ابعاد منطقه‌ای و جهانی می‌تواند چهره بین‌المللی جدیدی را از ریاض به جهانیان معرفی کند و در شکل کلان، دیدگاه‌های جهانی را نسبت به این کشور تغییر دهد. کوتاه سخن اینکه براساس سیاست‌های کلان عربستان سعودی، ورزش و دیپلماسی ورزشی نه تنها باعث کسب درآمدهای

-
16. Spain Super Cup
 17. Italy Super Cup
 18. FIFA Club World Cup
 19. AFC Asian Cup
 20. Asian Winter Games

مالی خواهد شد، بلکه به اشکال دیگر موجب ترمیم چهره سیاسی این کشور می شود که افزایش مشروعیت بین المللی و تأثیرات کلان در عرصه های اجتماعی و سیاسی می تواند از اثرات کلیدی این رویکرد باشد.

۵. چالش های احتمالی پیش رو برای دولت بن سلمان

سیاست داخلی و خارجی عربستان سعودی و استراتژی های این کشور در حوزه قدرت نرم به گونه ای است که علاوه بر فرصت هایی که بدان اشاره شد، چالش ها و آسیب های قابل توجهی نیز دارد. اگرچه در دوره محمد بن سلمان برای بهبود چالش ها و آسیب ها، تلاش های بسیاری شده و برخی بازنگری ها نیز رخ داده است؛ همچنان عربستان سعودی با ضعف های قابل توجهی در این حوزه مواجه است که در ادامه بررسی می شود.

۵-۱. نبود دموکراسی و آزادی های سیاسی

نبود آزادی های سیاسی - اجتماعی و مقابله ساختاری با کوچک ترین دیدگاه و کنش اعتراضی باعث شده بسیاری از سازمان های بین المللی و نهادهای حقوق بشری به این امر معترض باشند. بسیاری از رسانه های جهان به انفعال کشورهای غربی و سیاست های دوگانه حقوق بشری این کشورها در قبال عربستان معترض اند و با انتقاد از سیاست های آن ها ریاض را متهم به اعطای کمک های مالی و اقتصادی به سازمان بین المللی حقوق بشری برای عدم برخورد بین المللی و جهانی می کنند. (Al Talei, 2021: 1) یکی از مواردی که در چند سال اخیر بازخورد بین المللی بسیاری داشته است، قتل جمال خاشقچی^{۲۱} روزنامه نگار سعودی در کنسولگری عربستان در ترکیه بود. چگونگی مرگ این خبرنگار و بازتاب رسانه ای گسترده آن باعث شد ریاض با واکنش های انتقادی بسیاری روبه رو شود. (Chapman, 2020: 2) در جریان قتل جمال خاشقچی، اکثریت خبرنگاران و روزنامه نویسان عربستانی شیوه نگارش جملات شان را به گونه ای سامان می دادند که معطوف به مبرا کردن بن سلمان و حکومت سعودی باشد و بر پابندی عربستان بر حفظ کرامت انسانی و احترام به حقوق شهروندی و همچنین اجرای قانون در مقابل جنایتکاران تأکید داشتند. در مقابل، نقش ترکیه و قطر را در منفی جلوه دادن تصویر ریاض در جامعه بین الملل پررنگ می کردند. (Karatas, 2022: 607) چنین تفسیر ساختاری از یک قتل سیستمی، خود نشان دهنده نبود آزادی های مدنی در عربستان است، زیرا در صورت

21. Jamal KHashoghchi

هرگونه مخالفت رسانه‌ای، احتمال دستگیری، زندانی شدن و اعدام عوامل دست‌اندرکار وجود دارد. هرچند پس از این واقعه و در طول سال‌های اخیر، حکومت آل سعود تلاش کرد با تزریق پول در حوزه‌های مختلف، از جمله صنعت فیلم‌سازی، آزادی‌های اجتماعی و جدیدترین آن که بسیار مورد توجه قرار گرفت؛ آزادی فروش مشروبات الکلی برای دیپلمات‌ها و گردشگران خارجی غیرمسلمان، اعتبار خود در مجامع غربی را افزایش دهد، اما آنچه همچنان و در واقعیت وجود دارد، فضای بسته سیاسی و امنیتی است که از جمله می‌توان به نادیده گرفتن حقوق اقلیت‌های مذهبی به‌ویژه شیعیان این کشور اشاره کرد.

۵-۲. جنگ یمن و ماجراجویی منطقه‌ای

یکی از موضوعات مهمی که در دیدگاه‌های عمومی جهانی علیه ریاض تأثیر زیادی گذاشته است، جنگ یمن است. حملات هوایی پی‌درپی و کشتار غیرنظامیان از جمله زنان و کودکان به‌دست ائتلاف سعودی باعث شد بسیاری از سازمان‌های حقوق بشری نسبت به این اقدامات ریاض اعتراض کنند. علاوه‌براین، حمله به زیرساخت‌های یمن مانند بیمارستان‌ها و دیگر مراکز غیرنظامی انتقادات بسیاری را در پی داشته است. (Bachman, 2018: 2) مجموع این عوامل آسیب‌های زیادی را در عرصه قدرت نرم به عربستان وارد آورد تا جایی که عوامل متعددی از جمله هزینه‌های کلان استفاده‌شده در جنگ، انتقادات جهانی نسبت به هدف قرار دادن غیرنظامیان یمن، اختلافات درون‌ائتلافی در جنگ یمن (از سوی امارات متحده عربی در مقابل عربستان) که به رهبری عربستان مدیریت می‌شد و مقاومت نظامیان حوثی، که در اقدامی متقابل، به اهداف استراتژیک در عربستان از جمله آرامکو حمله کردند، باعث احساس خطر ریاض در بلندمدت شد که رویکرد سخت این کشور را تا حدود زیادی تعدیل کرد و منجر شد محمد بن‌سلمان به مذاکرات محرمانه با حوثی‌ها برای دستیابی به توافق روی آورد.

همچنین بعد از اینکه ائتلاف عربی به رهبری عربستان سعودی قطر را تحریک کرد، نه تنها اهداف ترسیم‌شده در این تحریم با موفقیت اجرا نشد، بلکه به‌دلیل عضویت قطر در شورای همکاری خلیج فارس و روابط نزدیکی که پیش از این با دیگر کشورهای عضو داشت، انتقادات زیادی به عربستان وارد شده بود که در نهایت این کشور و دیگر هم‌پیمانان آن، از موضع خود کوتاه آمدند و برقراری مجدد روابط با دوحه را به‌دلیل برخورداری از منافع بیشتر از سر گرفتند. پس از این دو اتفاق مهم، محمد بن‌سلمان برای کسب مشروعیت بیشتر در جهان عرب

و همچنین آسیب ندیدن برنامه چشم‌انداز توسعه ۲۰۳۰ سعی کرد رویکرد تهاجمی خود را به شکل مشخصی تعدیل کند، تاجایی که در سال جاری و در جریان جنگ غزه و اسرائیل، که متعاقب ۷ اکتبر ۲۰۲۳ آغاز شده است، در ائتلاف ایالات متحده آمریکا و انگلستان در برابر اتفاقات دریای سرخ و عملیات علیه نظامیان حوثی یمن مشارکت نکرده است.

۳-۵. پیمان ابراهیم و نزدیکی روابط با اسرائیل

توافق ابراهیم، که در سال ۲۰۲۰ به امضا رسید، تغییرات گسترده و فراوانی را در جهان عرب به وجود آورد که مهم‌ترین پیامد آن، شکستن اجماع عربی بود که در طول چند دهه اخیر، عادی‌سازی کامل با اسرائیل را مشروط به راه‌حل ایجاد دو کشور و به رسمیت شناختن کشور فلسطین می‌کرد. این توافق‌نامه که با مؤلفه‌هایی چون صلح، ثبات و امنیت به اجرا درآمد، اسرائیل را به عنوان قدرتی جدید برای ایجاد اتحادهای نظامی و امنیتی در کنار کشورهای عربی از جمله کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به رسمیت می‌شناخت که در تغییر شکل پویایی منطقه ایفای نقش خواهد کرد. (Dana, 2023: 1) در این میان، سیاست‌های کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در قبال اسرائیل به شکل پیچیده‌ای متفاوت بود. در حالی که امارات و بحرین در همان ابتدا، عادی‌سازی روابط با اسرائیل را به رسمیت شناختند، دیگر اعضای این شورا از جمله قطر، عمان و کویت از این امر اجتناب کردند. سیاست عربستان سعودی نیز در رابطه با مسئله فوق، متفاوت و ویژه است. (Niakooee and Haji, 2020: 244-250) هرچند ریاض تا این لحظه اسرائیل را به رسمیت نشناخته است، اما در حوزه‌های مختلف، همکاری‌های دوجانبه‌ای میان آن‌ها برقرار است که از جمله آن می‌توان به صدور مجوز از سوی پادشاهی سعودی برای تردد هواپیماهای اسرائیلی از آسمان عربستان و همکاری در حوزه‌های فناوری و تکنولوژی و دیگر زمینه‌ها اشاره کرد. (Abbas, 2024: 145-149) نگاه عربستان به عادی‌سازی روابط با اسرائیل تحت تأثیر رویکردهای مختلفی است. از یک سو، نزدیکی روابط پادشاهی با ایالات متحده، حفظ صلح و ثبات منطقه‌ای و ارتباط با همه بازیگران مهم در عرصه منطقه و جهان برای تحقق اهداف چشم‌انداز ۲۰۳۰، مشوق عربستان برای عادی‌سازی و برقراری روابط با اسرائیل است و از سوی دیگر، به عنوان کشوری که همواره برای خود نقش رهبری در جهان اسلام و جهان عرب قائل است، به راحتی و مانند دیگر کشورها از جمله امارات متحده عربی، بحرین و مراکش نمی‌تواند عادی‌سازی روابط را محقق کند، زیرا با واکنش‌ها و انتقادات بسیاری از سوی جامعه خود، جهان عرب و جهان اسلام روبه‌رو خواهد شد و ضربه

سنگینی به قدرت نرم آن در جهان اسلام وارد خواهد آمد. البته عربستان ضمن حفظ ارتباط و گسترش روابط با اسرائیل، هرگونه عادی سازی روابط با آن را مشروط به پذیرش طرح دو دولت و تشکیل کشور فلسطین می داند. به هر حال، اتخاذ سیاستی درخصوص موضوع فلسطین که منافع سیاسی اقتصادی این کشور به ویژه روابط آن با ایالات متحده را محقق کند و هم زمان اعتبار و قدرت نرم عربستان را فزونی بخشد، کار چندان آسانی به نظر نمی رسد.

۵-۴. فراز و فرود چشم انداز توسعه ۲۰۳۰ و شکندگی قدرت سیاسی

درباره چشم انداز ۲۰۳۰، که محمد بن سلمان ارائه کرده، می توان گفت ه چند طرحی جسورانه برای پایان دادن وابستگی عربستان سعودی به نفت و تحریک اقتصاد برای رسیدن به جهشی قابل توجه در حوزه منطقه و جهان است، اما می تواند دهه ها ثبات سیاسی را با چالش مواجه کند و نظم اجتماعی را به خطر بیندازد. این طرح معطوف به کاهش تدریجی یارانه های سوخت، آب و برق است و ایجاد اشتغال و سرمایه گذاری های غیر وابسته به دولت را افزایش می دهد که باعث شکل گیری طبقه سرمایه دار جدیدی می شود که کمتر به دولت وابسته خواهد بود. مسئله فوق احتمال تقاضا برای اصلاحات سیاسی را تقویت می کند. به ویژه اگر گذار اقتصادی سخت تر از حد انتظار باشد که احتمال شکل گیری موجی از تظاهرات مشابه بهار عربی ۲۰۱۱ را در مقابل دولت سعودی برمی انگیزد. (Cozza, 2016: 2) همچنین برای جهش در اقتصاد نیاز به وجود نیروی جوان و کارآمد است، اما کمبود نیروی کار ماهر بومی در عربستان، امروزه نیز به اندازه قبل مشکل ساز است. کارگران خارجی حدود ۱۰ میلیون نفر از جمعیت نزدیک به ۴۰ میلیون نفره عربستان را تشکیل می دهند. ریاض باید تلاش کند در کنار قطع وابستگی خود به نفت، از وابستگی به نیروی کار خارجی نیز رهایی یابد. (Ott-away, 2021: 4) در کنار همه اینها، تا لحظه نگارش این مقاله آنچه به نظر می رسد، احتمال به قدرت رسیدن محمد بن سلمان پس از پدرش ملک سلمان، که اکنون در ۸۸ سالگی قرار دارد، بسیار بالاست، اما وجود تعداد زیادی از شاهزاده های ثروتمند سعودی در عربستان، که از سیاست های اعمالی بن سلمان رضایت خاطر ندارند، و به طور کلی نزاع های درون حکومتی می تواند به چالشی هم زمان با درگذشت پادشاه فعلی عربستان تبدیل شود و احتمال تزلزل در سیاست های کلان حکومت را بالا خواهد برد. به هر حال تضادهای سیاست داخلی و بحران ها و چالش های اقتصادی می تواند برخی طرح های بلندپروازانه را مختل کند یا به تعویق بیندازد.

ع. نتیجه گیری

در دنیای امروز قدرت تنها با اهرم‌ها و ابعاد سخت شناخته نمی‌شود، بلکه قدرت نرم به‌طور روزافزونی مورد توجه سیاستمداران قرار گرفته است. این پدیده در رابطه با عربستان سعودی به‌ویژه در دوران محمد بن سلمان صادق است. اگرچه عربستان سعودی به‌دلیل میزبانی اماکن مذهبی، سابقه تاریخی و نقش محوری در منطقه و جهان اسلام از دیرباز ظرفیت‌های بالایی در حوزه قدرت نرم داشته؛ با روی کار آمدن محمد بن سلمان به‌عنوان ولیعهد پادشاهی سعودی، بهره‌گیری از قدرت نرم در این کشور پررنگ‌تر و استراتژی‌های گوناگونی در این حوزه اتخاذ شد. پژوهش حاضر به‌دنبال پاسخ به این پرسش است که مهم‌ترین مؤلفه‌های تحول قدرت نرم عربستان سعودی در دوره محمد بن سلمان در چه حوزه‌هایی بوده است؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در دوره محمد بن سلمان، در کنار توجه به مؤلفه‌هایی که از قبل و در حوزه قدرت نرم از آن استفاده می‌شد، با تمرکز بر حوزه‌های جدیدی همچون ورزش، گردشگری خارجی فرامنطقه‌ای، اقتصاد غیرنفتی و درنهایت نقش‌آفرینی نوین در سیاست خارجی در مناطق مختلف، اقدامات گسترده و کم‌نظیری در حوزه قدرت نرم انجام گرفته، به‌طوری‌که قدرت نرم این کشور در سال‌های اخیر به شکل چشمگیری رشد پیدا کرده است. در حوزه گردشگری، عربستان سعی دارد به اصلی‌ترین مقصد گردشگرپذیر منطقه تبدیل شود. موضوعی که فقط در ابعاد مذهبی و دینی خلاصه نمی‌شود و در سایر حوزه‌ها هم نمود پیدا کرده است. ازسوی دیگر، توجه و تمرکز روی ورزش در این دوره یکی دیگر از حوزه‌های مهم و راهبردی تحول قدرت نرم عربستان سعودی است، به‌نحوی‌که کسب میزبانی‌ها و برگزاری رویدادهای بی‌شمار ورزشی در دوره بن‌سلمان باعث شده نگاه‌های بسیاری به این کشور معطوف شود. البته عربستان سعودی با چالش‌های مهمی نیز مواجه است. برخی مشکلات داخلی مانند ساختار سیاسی سنتی، شکنندگی قدرت سیاسی، نبود آزادی‌های دموکراتیک و نقض حقوق بشر، قدرت نرم این کشور را دچار چالش کرده است. در عرصه خارجی نیز جنگ یمن و محاصره قطر در ایماژ عربستان و حتی برنامه‌های اقتصادی این کشور تأثیر منفی گذاشته است. برقراری روابط با اسرائیل نیز اگرچه فواید سیاسی-اقتصادی برای این کشور دارد و در جلب حمایت بیشتر ایالات متحده نیز تأثیرگذار است، اما وجهه این کشور در میان اعراب و مسلمانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به چالشی برای قدرت نرم این کشور تبدیل خواهد شد.

References

- Abbas, Khurram (2024). GCC-Israel Rapprochement Under Abraham Accords: Implications for Israel-Palestine Conflict. In Arab-Israel Normalisation of Ties: Global Perspectives, pp. 143-159. Singapore: Springer Nature Singapore. https://doi.org/10.1007/978-981-99-7769_8
- Ajurlo, Hossein (2018). The vision of Saudi Arabia in 2030; Faraz or Froud?, Tehran: Abrar Contemporary International Studies and Research Institute. **[In persian]**
- Akhavan Kazemi, Bahram (2013). Diplomacy and International Behavior in Islam, Tehran: Samt. **[In persian]**
- Al Talei, R afiah (2021). The Dilemma of Us Democracy and Human Right Promotion in the Middle East, Carnegie (Endowment for International Peace).
- Alikhani, Mehdi (2022). Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia; Foreign policy, bilateral relations and regional order, Tehran: Politics World. **[In persian]**
- Al-Otaibi, N (2019). Public diplomacy and soft power: a case study of Saudi Arabia's image projection in the UK (Doctoral dissertation, University of East Anglia).
- Alyusufi, Rayan (2023). The Sacred Journey: Saudi Arabia Uncomeatable Soft Power and it's Burden, Centre on Public Diplomacy (CPD).
- Bachman, Jeff (2018). Genocide in Yemen, World Peace Foundation.
- Chapman, Michael (2020). How Saudi Arabia's Human Right Abuse?, Cato Institution.
- Cozza, Joseph (2016). Could vision 2030 reforms destabilize Saudi Arabia? In: draStra Global, No. 5, PP. 1-3. <https://nbnresolving.org/urn:nbn:de:0168-ssoar-48612-7>.
- Dana, Tariq (2023). The New (Dis) Order: The Evolving UAE-Israel Security Alliance. Journal of Palestine Studies, 52(3), <https://doi.org/10.1080/03779>

19X.2023.2244868

Darvishi, Dariush (2018). Saudi Arabia's foreign policy in the shadow of internal crises, Tehran: Imam Sadiq University (AS). **[In persian]**

Davand, Mohammad; Islami, Mohsen; Jamshidi, Mohammad Hossein (2019). Analysis of the ideological and political tensions of Saudi Arabia regarding the cultural strategy of the Islamic Republic of Iran in the Islamic world, Majlis and Strategy Quarterly, 26(3), PP. 99-124. **[In persian]**

Dehghani Firouzabadi, Seyyed Jalal (2016). Generalities of International Relations, Tehran: Mokhtab. **[In persian]**

Dehghani Firouzabadi, Seyyed Jalal (2021). Principles and foundations of international relations (1), fifth edition, Tehran: Samt. **[In persian]**

Dehghani Firouzabadi, Seyyed Jalal (2022). Principles and foundations of international relations (2), fifth edition, Tehran: Samt. **[In persian]**

Ehteshami, Anoushiravan (2015). GCC Foreign Policy: From the Iran_Iraq War to the Arab Awakening, Middle East Centre: Collected Papers, Vol. 1, PP. 13-23.

Eltiami Nia Reza, Taqwaei Nia Ali (2015). Explaining the role and place of soft power in realizing the goals of domestic and foreign policy. Islamic World Political Research, 6 (3), PP. 196-167. **[In persian]**

Farouk Azeem, Bin Ahmad (2023). Strategies and Sources of Soft Power in Saudi Arabia. <https://sjr-publishing.com/wp-content/uploads/2019/03/Strategies-and-Sources-of-Soft-Power-in-Saudi-Arabia1.pdf>

Fatahi Ardakani, Hossein; Emam Jumezadeh, Seyyed Javad; Hersij, Hossein (2018). Analysis of the soft power model in the Middle East: a case study of Saudi Arabia, Islamic World Political Research Quarterly, 8(1), PP. 29-62. **[In persian]**

Filkins, Dexter (2018). A Saudi Prince's Quest to Remake the Middle East, The New Yorker.

- Gallarotti, Giulio M; Al Filali, Isam Yahia (2012). The Soft Power of Saudi Arabia, International Studies Vol. 49 Iss. 3&4 Available at: http://works.bepress.com/giulio_gallarotti/37/
- Gallup (2023). Saudi Arabia's Saft Pawer Outshines Iran's, <https://news.gallup.com/poll/474251/saudi-arabia-soft-power-outshines-iran.aspx>.
- Ghasemi, Farhad (2017). Principles of International Relations, Sixth edition, Tehran: Mizan. **[In persian]**
- Ghorbani Arslan; Simbar, Reza (2013). Islamic Awakening: Factors, Issues and Prospects, Tehran: Imam Sadiq University (AS). **[In persian]**
- Heibach, Jens (2021). Public diplomacy and regional leadership struggles: the case of Saudi Arabia, International Politics <https://doi.org/10.1057/s41311-021-00310-7><https://doi.org/10.1515/9781685851057>
- Jamshidi, Mohsen; Seddiq, Miribrahim; Bastami, Mahmoud (2021). Strategy of two major regional powers (Islamic Republic and Saudi Arabia) in the field of foreign policy and terrorism in the region under their influence, Islamic Awakening Studies Quarterly, 10(1), PP. 101-77. **[In persian]**
- Jansiz, Ahmad; Mousavi kordmiri, Seyyed Hossein (2022). Unsuccessful unionism in the southern Persian Gulf and factors affecting temporary convergence, collection of articles of the first biennial international conference "Regional order and social structure in the Middle East: from theory to practice", collection; Seyyed Masoud Mousavi Shafai and Mehdi Sabeti. Tehran: Iranian Political Science Association. **[In persian]**
- Karatas, Ibrehim (2022). How Saudi Media Covered the Murder of Jamal Khashoggi: The Case of Arab NEWS. Istanbul Gelisim Universitesi Sosyal Bilimler Dergisi, 9 (2), PP. 599-611. DOI:10.17336/igusbd. 840718
- Mignanego, Bush (2023). Saudi Arabia: Soft Power Through Contemporary Art, Luxury Tribune.
- Niakooee, Seyyed Amir (2020). The Arab Winter and the Enigma of Democracy

in the Middle East, Tehran: The Audience. **[In persian]**

Niakooee, Seyyed Amir; Haji, Vida (2020). Expansion of GCC-Israel relations: an explanation from the perspective of realism. Vol 9. Issue 3. **[In persian]**

Nye, Joseph (2011). The Future of Power, New York: Public Affairs.

Nye, Joseph (2013). The future of power, translated by Ahmad Azizi, Tehran: Nei. **[In persian]**

Nye, Joseph and others (2016). Power and soft balance in international politics, translated by Asgar Kahramanpour, second edition, Tehran: Research Center for Strategic Studies. **[In persian]**

Olyaei, Mohammad; Ghafari Hashjin, Zahed; Keshavarzshukri, Abbas (2021). The consequences of Saudi Arabia's soft power for the Islamic Republic of Iran, Islamic World Political Research Quarterly, 11(2), PP. 153-127. **[In persian]**

Ottaway, David B (2021). Mohammed bin Salman: The Icarus of Saudi Arabia?, Boulder, USA: Lynne Rienner Publishers.

Poncet, Sacha (2023). Could Saudi Arabia Become the Next Tourism Leader in The Middle East?, Hospitality News & Business Insights by EHL.

Pourahmadi, Hossein; Qiyasi, Saber; Qaemi, Yaser (2021). Analysis of Saudi Arabia's power of influence in the region and the Islamic world and the strategy to confront Iran. Political and international approaches. 12(3), PP. 89-118. **[In persian]**

Riquelme, Gerardo (2023). The Unstoppable Sport Strategy of Saudi Arabia, A Country still searching for it's first Olympic gold, MARCA.

Saeedi, Ali; esmaeeli, Ayatollah (2021). A comparative study of the soft power components of the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia in the events after the Islamic awakening. Journal of Political Strategy, 5(18), PP. 109-133. **[In persian]**

Shabani Saroei, Ramazan (2013). Soft power and cultural identity in the Islamic Republic of Iran, bi-quarterly journal of soft power studies, 3(2), PP. 98-79.

[In persian]

Simbar, Reza; Ghorbani Sheikhneshin, Arslan (2015). International relations and peace diplomacy in the changing global system, fifth edition, Tehran: Samt. **[In persian]**

Simbar, Reza; Moghimi, Ahmad Ali (2016). Cultural Diplomacy and National Interests, Tehran: Academic-Iranian Scientific Association of International Relations. **[In persian]**

Walker, Ali (2023). The secret of Saudi Arabia plan to buy FIFA World Cup Politico. <https://www.politico.eu/article/qatar-fifa-world-cup-the-secret-saudi-plan-to-buy-the-cup/>.

COPYRIGHTS

© 2024 by the authors. Published by the Iranian Association of Geopolitics. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی